فرهیختگان
farhikhteganonline
WWW.FDN.IR

چطور می‌توان هم به تمامیت ارضی پایبند ماند هم متحد استراتژیک روسیه بود؟

واقع‌گرایی ایرانی در پروژه روسیه

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

«شهریور ۹۱: روسیه و چین با نقش‌آفرینی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به تصویب دوازدهمین قطعنامه شورای حکام علیه ایران کمک کردند. قطعنامه‌ای که از ایران به‌دلیل همکاری نکردن با آژانس و بی‌توجهی به قطعنامه‌های شورای امنیت، انتقاد می‌کند.»، «اسفند ۹۶: روسیه قطعنامه پیشنهادی بریتانیا در شورای امنیت را که به کمک فرانسه و آمریکا تهیه شده بود و قصد داشت ضمن تمدید تحریم تسلیحاتی یمن برای یک‌سال دیگر، ایران را به‌خاطر آنچه ارسال موشک به حوثی‌ها خوانده می‌شد را محکوم کند، با رای منفی به قطعنامه آن را وتو کرد.»، «۹ خرداد ۸۹: روسیه به قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت که براساس آن تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران تشدید می‌شد رای مثبت داد»، «خرداد ۱۴۰۱: چین و روسیه به قطعنامه شورای حکام علیه ایران رای منفی دادند.» نگاهی به موضع‌گیری‌های روسیه در قبال ایران در چند سال اخیر نشان می‌دهد در موارد زیادی این کشور نسبت به ایران مواضع یکسانی نداشته است. روسیه، به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی همواره با درنظر گرفتن سود و زیان خود موضع‌گیری‌هایش در قبال ایران را در موقعیت‌های متفاوت تغییر داده است. این گزاره در فضای سیاست‌خارجی البته منطقی و معقول به‌نظر می‌رسد. اگر بخواهیم تقسیم‌بندی از نوع روابط کشورها در حمایت از مواضع یکدیگر در عرصه بین‌المللی داشته باشیم، می‌توان گفت برخی کشورها از موضع ضعف به برقراری روابط با کشوری دیگر حرکت کرده و تقریبا از همه مواضع کشور متحد خود حمایت می‌کنند و گاهی تا آنجا پیش می‌روند که تبدیل به ابزاری برای لابی کشور متحد خود در مجامع بین‌المللی می‌شوند. کشورهایی که به‌لحاظ سیاسی و اقتصادی قدرتمندتر محسوب می‌شوند اما برمبنای قواعد دیپلماتیک و براساس میزان پیوستگی روابط سیاسی، سود اقتصادی در چهارچوب کسب منافع حداکثری به برقراری روابط با کشور مقابل می‌پردازند. با توجه به این نگاه و با در نظر گرفتن این نکته که اساسا موضع‌گیری‌های کشورها در سیاست‌خارجی صرفا براساس سود و زیان و منافع خود تعریف می‌شود لازم است با نگاهی منطقی، موضع‌گیری اخیر روسیه و چین را درباره جزایره سه‌گانه تحت مالکیت ایران را مورد تحلیل قرار دهیم.

تعامل کشورها برمبنای منافع مشترک

حداقلی‌ترین نگاهی که ایران می‌تواند در تنظیم روابط چین و روسیه با ایران مدنظر قرار دهد، توجه به این نکته است که مواضع رادیکال و ضدایرانی آنها در مقایسه با دیگر کشورهای قدرتمند کمتر بوده و تمایل بیشتری نسبت به برقراری روابط از سوی این دوکشور با ایران وجود داشته است. ایران می‌تواند از این فرصت استفاده کرده و به‌گونه‌ای روابط خود را تنظیم کند که این دو در چهارچوب مورد نظر ایران حرکت کنند، این گزاره به معنی باج‌دهی ایران در برقراری روابط نیست، بلکه لازم است روابط برمبنای تعاملات دوطرفه و تامین منافع دوجانبه تنظیم شود. از آنجایی که ایران به‌دنبال تنوع روابط در سیاست‌خارجی و بهره‌بردن از گسترده کردن تعاملات خود با دیگر کشورها درجهت خنثی‌سازی اثر تحریم‌هاست، لازم است روابط خود را به‌گونه‌ای با کشورهای مورد تعامل تنظیم کند که ضمن بهره‌مندی دوجانبه از تعاملات اقتصادی و سیاسی، هزینه ناشی از قطع روابط را به اندازه‌ای بالا برده که کشور مورد تعامل برای جلوگیری از قطع روابط، حساسیت بیشتری نسبت به رعایت مواضع ایران در مجامع بین‌المللی داشته باشد. نمونه چنین تعاملاتی را می‌توان در برقراری روابط روسیه و ترکیه مشاهده کرد؛ میزان تعاملات اقتصادی روسیه و ترکیه در سال ۲۰۲۲ به عدد ۷۰ میلیارد دلار رسیده است. این دو کشور به‌سمت گسترش روابط اقتصادی حرکت کرده و در سال ۲۰۲۱ نقشه راهی منعقد کردند که براساس آن حجم تجارت دوجانبه به ۱۰۰ میلیارد برسد. در حوزه سیاسی و امنیتی نیز میان دو کشور همگرایی و همکاری وجود داشته است. با این حال بعد از اعلام موافقت ترکیه با پیوستن سوئد به ناتو، روسیه اعلام کرد به‌رغم وجود اختلافات، مایل به ادامه روابط دوجانبه با ترکیه است. توجه به این نکته نیز ضروری است که ترکیه زمانی این اقدام را انجام داده که روسیه بارها حساسیت خود نسبت به پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو را اعلام کرده و حتی دراین‌باره هشدار نظامی داده است. ایران نیز باید در برقراری روابط با کشورها به این نکته توجه کند که تعاملات اقتصادی و سیاسی باید به‌نحوی طرح‌ریزی شود که طرف مقابل همواره متوجه باشد رعایت نکردن خط قرمزها و حساسیت‌های تهران برای او بی‌هزینه نخواهد بود. به‌طور کلی هرچقدر میزان دستاوردهای کشورها از روابط با یکدیگر بیشتر باشد به همان میزان ریسک اقدامات حساسیت‌برانگیز نیز زیاد شده و دولت‌ها را از زیر پا گذاشتن خطوط قرمز یکدیگر برحذر می‌دارد.

پاسخ متقابل ایران به اقدام روسیه

۱۹ تیرماه و در پایان نشست شورای همکاری خلیج‌فارس، با حضور روسیه بیانیه‌ای منتشر شد که در یک بند آن آمده بود: «وزیران بر حمایت خود از همه تلاش‌های صلح‌آمیز از جمله ابتکار امارات‌متحده‌عربی و تلاش‌های آن برای دستیابی به راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای موضوع جزایر سه‌گانه تنب‌بزرگ، تنب‌کوچک و ابوموسی از طریق مذاکرات دوجانبه با دیوان بین‌المللی دادگستری تاکید کردند.» ادعا درباره جزایر سه‌گانه البته اولین‌باری نبود که توسط امارات و نشست شورای همکاری مطرح می‌شد. این‌بار اما روسیه هم با حمایت از ارجاع پرونده جزایر سه‌گانه به دیوان لاهه مشخصا علیه تمامیت ارضی ایران موضع گرفته بود. این اقدام البته با واکنش مقامات ایران همراه شد. کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه در واکنش گفت: «ایران موضوع تمامیت ارضی و سرزمینی و حاکمیت خود را بر جزایر سه‌گانه مورد اشاره هیچ‌گاه قابل مذاکره و گفت‌وگو ندانسته و دخالت هر طرفی اعم از دولت امارات، دولت روسیه و هر طرفی را در این ارتباط غیرقابل قبول و مردود تلقی می‌کند.» امیر عبداللهیان، وزیر امور خارجه نیز در واکنش به اقدام روسیه، در کنفرانس مطبوعاتی با همتای عمانی خود گفت: «اخیرا در بیانیه کشورهای خلیج‌فارس و روسیه بندی درباره تمامیت ارضی ایران گنجانده شده است. ما با هیچ طرفی درخصوص استقلال و تمامیت ارضی ایران هیچ تعارفی نداریم.» امیر عبداللهیان در ادامه به ماجرای اوکراین نیز اشاره کرد: «درخصوص اوکراین بر توقف جنگ و تمرکز بر راه‌حل سیاسی تاکید داریم. ما بر تمامیت ارضی کشورها ازجمله اوکراین تاکید داریم و بر موضوع توقف جنگ اصرار می‌کنیم و از طرفین درگیری می‌خواهیم بر مسیر مذاکرات سیاسی بازگردند.» همچنین کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران با اشاره به موارد اختلافی روسیه و ژاپن در موضوع جزایر کوریل، در دیدار با سفیر ژاپن، گفت: «با شروع جنگ اوکراین، روسیه مذاکرات دوجانبه با ژاپن درخصوص جزایر اشغالی کوریل را متوقف کرده است.» وی ادامه داد: «جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک موضع اصولی، با هرگونه مداخله نظامی و نقض حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها مخالف است و به اعتقاد اینجانب، بهترین راه برای حل‌وفصل اختلافات ارضی بین ژاپن و روسیه بر سرجزایر چهارگانه، مذاکره مستقیم بین دو کشور است.» واکنش تهران و موضع‌گیری درمورد اوکراین و جزایر اختلافی بین روسیه و ژاپن موید این نکته است که ایران با اعلام موضعی متقابل و هم‌اندازه سعی داشته هزینه اقدامات روسیه را به او گوشزد کند. مهم‌ترین پیام این واکنش را می‌توان این گونه تشریح کرد که ایران اگرچه بر مبنای منافع مشترک خود به تعامل با کشورهای همسو ادامه خواهد داد، اما درصورت رعایت نشدن خطوط قرمز، واکنش تهران اجتناب‌ناپذیر است.

عقب‌نشینی روسیه

درنتیجه واکنش‌های ایران طرف روسی موضع خود را تلطیف کرده و احترام به تمامیت ارضی ایران را ابراز کرد. روز گذشته وزیر امور خارجه کشورمان و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه طی تماس تلفنی، درخصوص مناسبات دوجانبه و منطقه‌ای و لزوم احترام به تمامیت ارضی کشورها تبادل نظر کردند. امیرعبداللهیان در گفت‌وگو مفاد بند مربوط به جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس در بیانیه مشترک روسیه و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس را باعث تعجب خوانده و گفت: «این جزایر تعلق تاریخی و ابدی به ایران دارد. استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی ایران به هیچ عنوان قابل مذاکره نبوده و نیست. نباید کاری صورت گیرد که به روابط عمیق دو کشور آسیب برساند.» سرگئی لاوروف نیز احترام به تمامیت ارضی ایران را این گونه مورد تاکید قرار داد: «فدراسیون روسیه هیچ تردیدی درمورد حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران به خود راه نمی‌دهد و کاملا به آن احترام گذاشته و خواهد گذاشت.»

گزارش

سرنوشت نامعلوم‌ون‌های کف خیابان

علی فلاحی
خبرنگار گروه سیاست

روز گذشته خبرگزاری تسنیم در خبری اختصاصی اعلام کرد که برخورد با پوشش‌های نامتعارف از سوی پلیس یا به تعبیر دیگر، بازگشت گشت ارشاد، «دستور رئیس‌جمهور، وزیر کشور و قوه قضائیه است.» این خبرگزاری مدعی شده بود که در این زمینه «پلیس تصمیم‌گیرنده نهایی نبوده است.» اما برخی رسانه‌های دولتی این خبر را تکذیب کردند و سپس تسنیم هم اعلام کرد که «برخی افراد در دولت» با این خبرگزاری تماس گرفته‌اند و ادعای صدور دستوری در این زمینه از سوی رئیس‌جمهور را رد کرده‌اند و درخواست حذف خبر اولیه تسنیم را مطرح کرده‌اند. این در حالی است که سردار منتظرالمهدی، سخنگوی فراجا درباره آغاز به کار مجدد گشت‌های پلیس به صراحت از تاکید رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه بر اجرای این طرح سخن گفته بود. در ادامه روند تاییدها و تکذیب‌ها، سخنگوی دولت نیز شب گذشته در توییتر نوشت: «رئیس‌جمهور اخیرا در جلسات مختلف از نیروی انتظامی و قوه قضائیه خواستند تا در چهارچوب قوانین موجود نسبت به نظم‌بخشی به امور اقدام کنند.» اما او «تدبیر شیوه اجرای قانون» را برعهده قوه قضائیه و ضابطان دانست. به نظر می‌رسد منظور او این باشد که دستور رئیس‌جمهور به صورت کلی بوده و اطلاقی به بازگشت گشت‌های پلیس نداشته و آنچه که اتفاق افتاده است برداشت فراجا از دستور رئیس‌جمهور بوده است. ادعایی که تطابق چندانی با سخنان سخنگوی فراجا ندارد. گرچه هنوز هیچ نهادی مسئولیت بازگشت گشت‌های پلیس که حالا نام جدید «گشت هنجار اجتماعی» را یدک می‌کشند به عهده نگرفته است اما آنچه که مشخص است این است که بالاخره این تصمیم در نهاد یا نهادهایی مشخص گرفته شده و ماموران پلیس خودبه‌خود تصمیم به بازگرداندن گشت ارشاد نگرفته‌اند. حال سوال اینجاست؛ اگر نهادی که این تصمیم را اتخاذ کرده است به درستی تصمیم خود اطمینان دارد چرا حاضر نمی‌شود مسئولیت تصمیمش را به عهده بگیرد! چرا نهادها به این تصمیم به‌عنوان یک اتهام نگاه می‌کنند و به دنبال رفع اتهام از نهاد ذی‌ربط خود هستند! در روزهای گذشته در یادداشت‌های متعددی به هزینه‌های بی‌شماری که بازگشت گشت ارشاد می‌تواند برای جامعه به ارمغان بیاورد، پرداخته‌ایم و اکنون قصد بیان مجدد این مطالب را نداریم بلکه مقصود ایراد و آسیب دیگری است که گریبان‌گیر حکمرانی کشور شده است و از آن می‌توان با عنوان «بحران مسئولیت‌ناپذیری» یاد کرد. ایده‌آل این بود که در چنین مساله مهمی که افکار عمومی هم به‌شدت به آن حساسیت می‌ورزد، هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود نه‌تنها مسئول و نهاد تصمیم‌گیرنده آن مشخص باشد، بلکه نهاد مربوطه قبل از اجرای تصمیم، به افکار عمومی جزئیات تصمیمات را توضیح دهد و این عادت غافل‌گیر کردن جامعه را کنار بگذارند. اما متاسفانه نه‌تنها با این ایده‌آل فاصله داریم و در برخی موارد به افکار عمومی توجهی نمی‌شود بلکه حتی مشخص نیست که مسئولیت چنین تصمیمات مهم و اثرگذاری با چه کسانی بوده است.

پشت عبارات مبهم قایم نشوید؛ صریحا بگویید کدام قانون!

یکی از نکات جالب توجه مواضع دولتی‌ها این است که دستور رئیس‌جمهور به ضابطان قانونی مبنی‌بر برخود با هنجارشکنان، در چهارچوب قانون بوده است. اما سوال اینجاست که اگر این دستور منجر به بازگشت گشت ارشاد شده است، منظور دقیقا کدام قانون است. پیشتر در گزارش «ابهام قانونی گشت ارشاد» به همه ابعاد ابهاماتی که درباره قانونی بودن گشت ارشاد وجود دارد پرداخته بودیم. در بخشی از این گزارش آمده است: در هیچ‌کدام از این مصوبات اشاره‌ای به برخوردهایی که ذیل عنوان گشت ارشاد در حال انجام است نشده و ظاهرا مستمسک قانونی نیروی انتظامی نه مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، بلکه مصوبه شورای فرهنگ عمومی مستقر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مصوب جلسه ۴۲۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳) است که در آن برای ۲۶ نهاد عمومی (از جمله مجلس، قوه قضائیه، نیروی انتظامی، صداوسیما، امور خارجه، بهزیستی، وسازمان تبلیغات) وظایف تخصصی تعریف کرده است و مواردی چون «نظارت و کنترل قانونی و اصولی بر وضعیت اماکن تفریحی و عمومی نظیر پارک‌ها»، «تذکر به افراد بدحجاب و برخورد با آنها طبق ضوابط قانونی در اماکن عمومی شهر» و «کنترل و نظارت جدی بر رعایت حدود و ضوابط قانونی عفاف در مجتمع‌های مسکونی» را جزء وظایف نیروی انتظامی دانسته است. این در حالی است که هرچند در پایان مصوبه به صراحت و به درستی قید شده است که «این مصوبه برای تصویب نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شده و برای اجرا لازم است به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی برسد»، اما در هیچ جا سندی از تصویب و ابلاغ آن توسط رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در دست نیست. در بهترین حالت می‌توان گفت قانونی که گشت ارشاد بر مبنای آن اجرا می‌شود دارای ابهامات جدی است و بهتر است که مسئولانی که با استناد به قانون از بازگشت گشت ارشاد دفاع می‌کنند به جای ارجاعات کلی به قانون، به‌طور دقیق مشخص کنند دقیقا چه قانونی را مدنظر دارند که گشت ارشاد را بر مبنای آن قانونی می‌دانند.

اگر مسئولیت نمی‌پذیرید حداقل از موضع‌گیری فرار نکنید

نکته مهم دیگری که درباره واکنش‌ها به دستور رئیس‌جمهور وجود دارد بخشی از سخنانی است که سخنگوی دولت در حساب توییتری خود مطرح کرده بود. همان‌طور که اشاره کردیم او گفته بود دستور رئیس‌جمهور مبنی‌بر «نظم‌بخشی به امور در چهارچوب قوانین» بوده و «تدبیر شیوه اجرای قانون» برعهده خود ضابطان است. ابتدا باید گفت که بسیار تعجب دارد که رئیس‌جمهور متوجه حساسیت مساله حجاب در شرایط کنونی نباشد و به این نکته توجه نداشته باشد که حتی ایجاد تغییرات جزئی در شیوه‌های اجرای قانون نیز می‌تواند منجر به ثمرات بسیار متفاوتی شود. بدیهی است که در چنین موردی نمی‌توان به صدور دستورات کلی اکتفا کرد و باید به تمام ملاحظات ریزودرشت این مساله حساسیت‌برانگیز توجه شود. اما حتی اگر ادعای تلویحی سخنگوی دولت مبنی‌بر اینکه انتخاب این شیوه برای اجرای قانون انتخاب خود فراجا بوده را بپذیریم باز هم فرار از موضع‌گیری دولت غیرقابل قبول است. بازگشت گشت ارشاد تصمیم هر نهادی که بوده، بالاخره بر شرایط جامعه و افکار عمومی به‌شدت اثرگذار خواهد بود و اهمیت این مساله بسیار بیشتر از آن است که دولت در این زمینه بی‌تفاوت باشد و نظری نداشته باشد. در چنین مواردی دولت حتی اگر نقشی در تصمیم‌گیری نداشته است موضع صریح خود را اعلام کند و برای افکار عمومی مشخص کند درباره بازگشت گشت ارشاد به خیابان‌ها دقیقا چه موضعی دارد. البته روز گذشته وزیر کشور نظر دولت را در این باره اعلام کرد و بدون اشاره مستقیم به گشت ارشاد - که البته دلیل آن محل سوال است - گفت «آنچه که فراجا انجام می‌دهد مورد تایید و تشکر قاطبه مردم است.» البته این سخنان هم همچنان سرشار از عبارات دوپهلوست و وزیر کشور به جای اینکه نظر صریح دولت را اعلام کند، از طرف «قاطبه مردم» سخن گفته است. امید است که حتی اگر دولت بنا ندارد مسئولیت چنین تصمیماتی را به عهده بگیرد، حداقل نظر صریح خود را درباره این طرح اعلام کند تا مردم بدانند که موضع دولت منتخب‌شان درباره بازگشت گشت موسوم به هنجار اجتماعی چیست.

با ناهماهنگی‌ها بحران جدید نسازید

مساله حجاب در سال‌های گذشته همواره از مهم‌ترین مسائل فرهنگی جامعه بوده است اما از سال گذشته که این مساله تبدیل به جرقه‌ای برای آغاز آشوب‌ها و اغتشاشات بسیار خشونت‌بار پاییز شد، در کنار بعد فرهنگی بیش از پیش بعد امنیتی به خود گرفت و اهمیت و حساسیت این مساله مضاعف شد. درک میزان بالای این حساسیت توسط همه ارگان‌ها و نهادها حداقل انتظاری است که می‌توان بعد از حوادث سال گذشته داشت. از اقتضائات چنین شرایطی آن است که ابعاد مختلف قضیه حجاب تصمیم‌گیر واحدی داشته باشند تا اتخاذ تصمیمات متناقض در نهادهای مختلف باعث ایجاد بحران جدیدی نشود. اگر فرماندهی واحدی در این زمینه وجود داشت قطعا نباید شاهد چنین اختلافاتی در ماجرای بازگشت گشت ارشاد می‌بودیم و اگر تدبیری اندیشیده نشود خلأ این فرماندهی واحد می‌تواند در آینده نه‌چندان دور به رخ دادن بحران‌های جدی‌تری منجر شود.

تیغ استدلال برخورد با هتاکان به اهل‌بیت را کند نکنید

در روزهای گذشته و با نزدیک شدن به ماه محرم و آغاز مراسم عزاداری سیدالشهدا، شاهد برخی توهین‌ها به ساحت مقدس اهل‌بیت علیهم‌السلام از سوی عده قلیلی از هتاکان و هنجارشکنان بودیم. برخورد متناسب با چنین افرادی حتما خواسته عموم جامعه ایران است که فارغ از گرایشات سیاسی و حتی مذهبی خود با توهین به مقدسات اسلامی به سختی مخالف هستند. اما روندهای اخیر باعث ایجاد این نگرانی شده که دایره برخورد با افرادی که حتی ممکن است متخلف نیز باشند چنان گسترده شود که بخشی از مردم مطالبه توقف هرگونه برخورد با هنجارشکنان را داشته باشند. برخورد متناسب و در چهارچوب قانون با هنجارشکنان که اقلیت جامعه را تشکیل می‌دهند حتما اقدامی ضروری است اما برخورد نامتناسب با موارد غیرضرور منجر به این می‌شود که عده‌ای با سوءاستفاده از احساسات عمومی، منکر ضرورت برخورد با همان اقلیت هنجارشکن شوند. چنین اقدامات نسنجیده‌ای ضمن آنکه منجر به تضعیف موضع دلسوزانی می‌شود که به دنبال برخورد قاطع با هتاکان به اهل‌بیت هستند، باعث افزایش شکاف‌های اجتماعی بین اقشار مختلف مردم هم خواهد شد.

ادامه از صفحه یک

این فضا قاعدتا به سطح افکار عمومی نیز تسری پیدا می‌کند و حساسیت‌های زیادی را بر می‌انگیزد. باید توجه داشته باشیم که مساله اصلی ما درمورد جزایر سه‌گانه با امارات است. صورت مساله را نباید تغییر دهیم و بر همین مبنا باید اقدامات دیپلماتیکی را در دستورکار قرار دهیم تا هم از این موضوع که امارات بحث جزایر سه‌گانه را در نشست‌های مختلف مطرح کند، جلوگیری کنیم و هم مانع شویم که طرف‌های ثالث بر ادعای امارات و بحث داوری بین‌المللی صحه بگذارند. علاج واقعه را باید قبل از وقوع کرد.

ما مسائل جهانی را عمدتا با عینک خودمان نگاه می‌کنیم و چون با عینک خودمان می‌بینیم فکر می‌کنیم همه کشورها باید مطابق میل ما رفتار کنند. یا برمبنای منافع ملی و امنیت ملی ما عمل کنند. این درحالی است که هر کشور چهارچوب، اصول سیاست خارجی، اهداف و منافع خاص خودش را در سیاست خارجی دارد و نباید چنین انتظاری داشت که کشورهای دیگر برمبنای خواسته‌ها، تمایلات و منافع ملی ما به موضوعات نگاه کنند. خیلی‌ها در ایران انتظار داشتند چون همکاری جدی بین تهران و مسکو در سوریه شکل گرفته است روسیه روابط خودش با عربستان و اسرائیل را که رقیب و دشمن ایران محسوب می‌شوند قطع کند. ما عملا مشاهده کردیم چنین اتفاقی نیفتاد چون انتظاری که داریم اشتباه است. ما بیشتر از آنکه نگاه واقع‌بینانه به تحولات جهانی و روابط بین‌الملل داشته باشیم نگاه احساسی داریم و این نگاه احساسی باعث می‌شود که نتوانیم مسائل را واقع‌گرایانه درک کنیم. درنتیجه واکنش‌های ما هم واقع‌گرایانه نبوده و بیشتر از روی احساس است؛ امری که به سیاست خارجی آسیب می‌زند. باید به این نکته توجه داشته باشیم که کشورها در عین اینکه با یکدیگر همکاری می‌کنند می‌توانند اختلاف‌نظر هم داشته باشند. همکاری در یک پروژه به این معنا نیست که تمام اختلاف نظرهایشان در مورد سایر موضوعات را کنار بگذارند. ما متاسفانه این نگاه را نداریم و فکر می‌کنیم اگر با یک کشور وارد تعامل شدیم آن کشور باید در همه حوزه‌ها همراه و هم‌نظر ما باشد و در راستای منافع ملی ما عمل کند. قاعدتا روسیه در رابطه با کشورهای عربی ممکن است منافعی داشته باشد که خیلی بیشتر از روابطش با ایران باشد. نقشی که امروز امارات دارد در دور زدن تحریم‌ها برای روسیه ایفا می‌کند بسیار برجسته است. قطعا ایران نمی‌تواند این نقش را ایفا کند. همراهی‌ای که عربستان در زمینه سیاستگذاری در حوزه انرژی در چهارچوب اوپک پلاس با روسیه دارد بسیار پررنگ است. این نقش را ایران نمی‌تواند بازی کند. بنابراین نباید انتظار داشته باشیم روسیه این موارد را که امروز برای او بسیار مهم هستند نادیده گرفته و صرفا به منافع ایران فکر کند. چنین انتظاری را نه فقط از روسیه بلکه از هیچ کشور دیگری نباید داشته باشیم. یکی از آسیب‌های بزرگی که ما داریم این است که بخش بزرگی از مسئولان ما تحت‌تاثیر فضای رسانه‌ها و به‌ویژه فضای مجازی هستند. زمانی که یک اتفاقی در فضای مجازی رخ داده و داغ می‌شود آن مسئول هم خودش را ملزم می‌داند که واکنش نشان دهد بدون اینکه توجه کند از موضع یک مقام رسمی موضع‌گیری می‌کند و واکنشش ممکن است بر افکار عمومی داخل و سیاست خارجی اثر مخربی برجا بگذارد.

دعوای ایران و روسیه به نفع بازیگران بیرونی است

اساسا ایجاد تعارض و تضاد در روابط بین کشورها خیلی آسان‌تر از حل آن است، در نتیجه ما در اظهارنظرها در مواضع‌مان در مورد همه کشورها باید این ملاحظه را در نظر بگیریم. باید توجه کنیم که روابط نزدیک بین ایران و روسیه به نفع هردو کشور است اما به وجود آمدن اختلاف و تشدید آن می‌تواند به نفع بازیگران ثالث باشد. یک رابطه خوب و موثر باعث بهره بردن طرفین هم در روابط دوجانبه و هم در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. ما نمونه‌های موفق تجربه همکاری در این حوزه را دست‌کم در جنگ سوریه می‌توانیم مشاهده کنیم. اساسا مبنای روابط ایران و روسیه عملگرایانه است نه ایدئولوژیک. درعین حال همکاری دو کشور در پرونده‌های مختلف به معنای اتحاد استراتژیک نیست. به این معنی است که دو طرف در برخی از موضوعات همسو بوده و منافع مشترکی پیدا کرده و در آن حوزه‌ها با هم کار می‌کنند. این کار کردن نباید این توقع را به وجود بیاورد که دو طرف در مسائل مختلف اشتراک نظر داشته باشند. دو شریک می‌توانند در خیلی از مسائل اختلاف‌نظر داشته باشند. اما شرکا تلاش می‌کنند تا اختلاف‌نظرشان را از طرق دیپلماتیک حل‌وفصل کنند نه اینکه بخواهند به آن دامن بزنند چون دامن زدن به اختلاف به سود آنها نبوده و دیگران بهره آن را می‌برند.